

حقوق ما

ما از عدالت سهمی داریم

سال هفتم، شماره ۹/۲۱۰ دی ۱۴۰۲ / ۳۰ دسامبر ۲۰۲۳

حقوق افراد دارای معلولیت



در این شماره می‌خوانید:

شهروندان دارای معلولیت، بی‌نام و بی‌قاب

شهروندان دارای معلولیت قربانی «بی‌توجهی محض»

جمهوری اسلامی شده‌اند

جمهوری اسلامی، شهروندان دارای معلولیت را «غیر خودی»

می‌داند

حقوق شهروندان دارای معلولیت؛ عدم پایبندی حکومت

ایران به قوانین داخلی و معاهدات بین‌المللی

افراد دارای معلولیت؛ بدون حمایت دولت و خانه‌نشین

ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر ایران / محمود امیری مقدم

سر دبیر این شماره: مریم غفوری

تحریریه: محمد مقیمی، جواد عباسی توللی

صفحه‌بندی: ماهر خوش‌قدم

تماس با مجله: mail@iranhr.net

حقوق ما در ویرایش مطالب آزاد است!

یادداشت‌هایی که از روزنامه‌نگاران و اشخاص دریافت می‌شود نظر شخصی آنان است و دیدگاه مجله حقوق ما نیست.



محمد مقیمی

شهروندان دارای معلولیت، بی نام و بی قاب



کارایی داشت. مشکل اینجا است که جامعه ایران در حال گذار از سنت به مدرنیته بسر می برد. از این رو، راهکارهای سنتی برای شهروندان دارای معلولیت دیگر وجود ندارد و نهادهای یک جامعه مدرن مانند حاکمیت قانون یا وجود سازمان های مردم نهاد کارآمد نیز جایگزین آنها نشده اند. خلاءهای ناشی از دوران گذار بیشترین صدمه را به گروه های آسیب پذیر از جمله شهروندان دارای معلولیت وارد می سازد.

شایان ذکر است که شهروندان زن دارای معلولیت با تبعیض و محرومیت بیشتری روبرو هستند. آرتور ارایلی در مقاله ای منتشر شده از سوی سازمان بین المللی کار در سال ۲۰۰۳ می نویسد: «مردان دارای معلولیت تقریباً دو برابر زنان دارای معلولیت دارای شغل هستند. در این میان، وقتی زن دارای معلولیت وارد شغلی می شود در بیشتر مواقع از حقوق و مزایای نابرابر، دسترسی نابرابر به بازآموزی، حقوق و منابع اعتباری داشته و عمدتاً با تبعیض شغلی مواجه بوده و به ندرت در تصمیم گیری های اقتصادی مشارکت داده می شوند».

حق اشتغال شهروندان دارای معلولیت

در بسیاری از کشورهای جهان به ویژه کشورهای توسعه یافته درصدی را به عنوان سهمیه استخدام شهروندان دارای معلولیت اختصاص می دهند. در همین راستا، برابر ماده

حقوق شهروندان دارای معلولیت، یکی از موضوعات خاص^۱ حقوق بشر است که در کشورهای توسعه نیافته و کمتر توسعه یافته از جمله کشورمان مغفول واقع شده است. متأسفانه موضوعات سیاسی مرتبط با حقوق بشر یا مسایلی که برای مردم از جذابیت بالاتری برخوردارند، بیشتر در مرکز توجه رسانه ها قرار می گیرند و همواره اقبال ضعیف تر بیشتر مورد بی توجهی و بی مهری قرار می گیرند. اگرچه، پرداختن به زندانیان سیاسی یک وظیفه فردی و جامعه ای است، ولی اغلب شهروندان دارای معلولیت در موقعیت بغرنج تری قرار دارند. بیشتر آنان حتی این امکان را ندارند که مشکلاتشان را با رسانه ها بیان کنند. در واقع، جامعه آنان را در انزوا قرار داده است و گاهی به کلی فراموش شده اند. در زندگی سنتی در عشیره، خاندان ها، روستاها و شهرهای کوچک مجموعه ای از کمک ها، ملاحظات، اصول و سنت هایی برای یاری رساندن به شهروندان دارای معلولیت وجود داشت. اگرچه نظام سنتی کامل و بدون نقص نبود، ولی نظم و قواعد خاص خود را داشت که در زمان خود در جامعه

۱- موضوعات خاص حقوق بشر مانند: حقوق شهروندان دارای معلولیت، حقوق کودکان، حقوق زنان، حقوق اقلیت های قومی، مذهبی و جنسیتی، حقوق بشردوستانه (حقوق در جنگ) در شمول حقوق مدنی و سیاسی، حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و حقوق همبستگی قرار نمی گیرد.

۲- معطوفی، رضا، ۱۳۸۹، مجله مددکاری اجتماعی، انجمن مددکاری اجتماعی ایران، تهران.

۷ قانون جامع حمایت از حقوق معلولان مصوب سال ۱۳۸۳، یکی از حقوق شهروندان دارای معلولیت، سهم سه درصدی آنان در استخدام در دستگاه‌های دولتی یا نهادهایی است که از بودجه عمومی استفاده می‌کنند. ولی این قانون تاکنون از سوی دستگاه‌های دولتی به درستی رعایت نشده است.

حقوق ماهیانه شهروندان دارای معلولیت

یکی دیگر از حقوقی که برای شهروندان دارای معلولیت در جهان امروز به رسمیت شناخته شده، حقوق ماهیانه است. در واقع، شهروندان دارای معلولیت که شغل و درآمد کافی ندارند، باید علاوه بر تامین مسکن و امتیازهای گوناگون از حقوق ماهیانه برای تامین معیشت و برخورداری از حداقل وسایل و امکانات زندگی، بهره‌مند شوند. سرانجام این حق در ماده ۲۷ قانون حمایت از حقوق معلولان مصوب سال ۱۳۹۶ در کشورمان نیز مورد شناسایی قرار گرفت. ماده یادشده تأکید می‌کند، افراد دارای معلولیت که دچار معلولیت شدید هستند و کار و منبع درآمد ندارند، مطابق

۳- ماده ۷ قانون جامع حمایت از حقوق معلولان ۱۳۸۳ دولت موظف است جهت ایجاد فرصت‌های شغلی برای افراد معلول تسهیلات ذیل را فراهم نماید:

الف. اختصاص حداقل سه درصد از مجوزهای استخدامی (رسمی، پیمانی، کارگری) دستگاه‌های دولتی و عمومی اعم از وزارتخانه‌ها، شرکتها و موسسات، شرکتها، نهادهای عمومی و انقلابی و دیگر دستگاه‌هایی که از بودجه عمومی کشور استفاده می‌نمایند به افراد معلول واجد شرایط.

4 - Social Welfare

۵- در صورت وجود نابرابری‌های قبلی یا وجود ضعف و نقصان و برای جبران آن‌ها بطوراستثنایی و گاه موقتی، تبعیض اعمال می‌گردد. برای نمونه، دریافت دستمزد برای دوران بارداری و خطر زایمان، یا کمک به معلولان، سالمندان، آسیب‌دیدگان و اسرای جنگ که به این رفتار نابرابر، تبعیض مثبت گفته می‌شود.

۶- برای آگاهی بیشتر بنگ: مقیمی محمد، تأثیر هدفمند کردن یارانه‌ها بر حقوق بشر، مشهد، انتشارات

دارای معلولیت تخلف صورت گرفته است. کهریزک در پایان با اشاره به واریز نشدن چنان‌که در حالی که رئیس سازمان بهزیستی یارانه مددجویان کهریزک از سوی سازمان عنوان کرده که «یارانه افراد مجهول‌الیه» به آسایشگاه کهریزک تا پایان بهمن ماه سال ۱۳۹۰ پرداخت شده است، مدیر آسایشگاه کهریزک از پرداخت نشدن یارانه یک میلیارد تومانی مجهول‌الیه‌ها خبر داد. صوفی‌نژاد با بیان این‌که آسایشگاه کهریزک ۲۸۱ مددجوی مجهول‌الیه دارد، اظهار داشت: مقرر شده، سازمان بهزیستی ماهانه ۳۲۰ هزار تومان برای نگهداری هر یک از مجهول‌الیه‌ها به موسسه‌ی کهریزک پرداخت کند، اما تاکنون پرداختی در این زمینه انجام نشده است. وی در ادامه با اشاره به نگهداری مددجویان معرفی شده کمیته‌ی امداد و سازمان بهزیستی در آسایشگاه کهریزک با لحاظ شروطی همچون «بی‌کس و فقیر بودن» عنوان کرده: نگهداری هر یک از این افراد برای آسایشگاه ماهانه ۸۰۰ تا ۹۰۰ هزار تومان هزینه دربر دارد و در این میان، کمیته امداد ماهانه ۳۲۰ هزار تومان و سازمان بهزیستی ماهانه ۲۰۰ هزار تومان برای نگهداری از هر مددجوی معرفی شده خود پرداخت می‌کنند. صوفی‌نژاد در ادامه با بیان این‌که سال گذشته، موسسه‌ی کهریزک ۲۸ میلیارد تومان هزینه داشته است، عنوان داشت: ۸۲٪ از این هزینه‌ها با کمک‌های مردمی و ۱۸٪ با یارانه سازمان‌های دولتی تامین شده است. مدیر آسایشگاه

حق مسکن شهروندان دارای معلولیت

برابر ماده ۱۷ قانون حمایت از حقوق افراد دارای معلولیت مصوب ۱۳۹۷، وزارت راه و شهرسازی و سایر دستگاه‌های مربوط مکلفند متناسب با ارائه تسهیلات ارزان قیمت و سایر اقدامات حمایتی از سازندگان واحدهای مسکونی اعم از انبوه سازان، تعاونی‌ها و بخش خصوصی، تعهد لازم را برای اختصاص حداقل ده درصد (۱۰٪) واحدهای مسکونی احداثی با کیفیت و مناسب‌سازی شده به افراد دارای معلولیت فاقد مسکن (با اولویت زوج‌های دارای معلولیت دولتی تامین شده است. مدیر آسایشگاه و خانواده‌های دارای چند معلول) به صورت

روای پارسیان، چاپ نخست، ۱۳۹۴، صفحه‌های ۱۱۶، ۱۱۷ و ۱۲۲.

۷- مقیمی محمد، «تأثیر هدفمند کردن یارانه‌ها بر تحقق حقوق اجتماعی»، مجله حقوق اساسی، شماره ۳۳، تهران، سال ۱۳۹۴، ص ۱۳۲ و ۱۳۳.



ارزان قیمت با معرفی سازمان از سازندگان مذکور اخذ و بر اجرای آن نظارت نمایند. واضح است که در این بازار آشفته مسکن در ایران، هیچ گروه نیازمندی از جمله شهروندان دارای معلولیت از سوی دولت حمایت نمی‌شود و این قانون نیز تعطیل مانده است.

مناسبت‌سازی یکی دیگر از نیازهای اساسی شهروندان دارای معلولیت است. ماده ۲ قانون پیش‌گفته در این باره مقرر می‌دارد: «کلیه وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی و نهادهای عمومی و انقلابی موظفند در طراحی، تولید و احداث ساختمان‌ها و اماکن عمومی و معابر و وسایل خدماتی به نحوی عمل نمایند که امکان دسترسی و بهره‌مندی از آنها برای افراد دارای معلولیت همچون سایر افراد فراهم گردد.

تبصره - وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی و نهادهای عمومی و انقلابی موظفند جهت دسترسی و بهره‌مندی افراد دارای معلولیت، ساختمان‌ها و اماکن عمومی، ورزشی و تفریحی، معابر و وسایل خدماتی موجود را در چهارچوب بودجه مصوب سالانه خود مناسب‌سازی نمایند». با وجود این قانون در کشور ما مناسب‌سازی در اغلب مناطق شهری و روستایی مورد بی‌اعتنایی قرار گرفته است. وضعیت مناسب‌سازی در ایران حتی در پایتخت و کلان‌شهرها بغرنج است، این در حالی است که در بسیاری از کشورها حتی در روستاها مناسب‌سازی از وضعیت قابل قبولی برخوردار است.

دسترس‌پذیری، ایجاد تشکلهای مردم‌نهاد شهروندان دارای معلولیت، گسترش خدمات بهداشتی، درمانی و توانبخشی، استفاده رایگان از مراکز، تأسیسات و خدمات ورزشی دستگاه‌های دولتی، شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، حمایت کارآفرینی و اشتغال شهروندان دارای معلولیت، فرهنگ‌سازی و ارتقای آگاهی‌های عمومی، ایجاد حمایت‌های قضائی و تسهیلات مالیاتی و برنامه‌ریزی، نظارت و منابع مالی در قانون حمایت از حقوق افراد دارای معلولیت مصوب ۱۳۹۷ مورد شناسایی قانونگذار قرار گرفته است. ولی نبود ضمانت اجرا برای

این قانون و بسیاری از قوانین دیگر مرتبط با دارای معلولیت، مسئول هستند. البته حکومت حقوق بشر، مشکل اصلی تحقق حقوق بشر در ایران است. حاکمیت قانون تنها در پرتو وجود دموکراسی و رعایت اصول حکمرانی مطلوب^۸ مسئول است و باید با اتخاذ سیاست‌های مناسب ایجاد می‌شود. البته شهروندان در فرایند گذار به دموکراسی نقش اصلی را ایفاء می‌کنند. از این رو، آگاهی مردم از حقوق شهروندی خود (از جمله حقوق شهروندان دارای معلولیت) ساختن حکمرانان و مشارکت در نهادهای نخستین گامی برای مطالبه آن حقوق است. مردم‌نهاد می‌توانند، نقش بسزایی را در این نگارنده بر این باور است که همه جامعه اعم

از مردم و حکومت نسبت به حقوق شهروندان

۸- اصول حکمرانی مطلوب عبارتند از: مشارکت، حاکمیت قانون، شفافیت، پاسخگویی، شکل‌گیری وفاق عمومی، عدالت، اثر بخشی و کارایی و مسئولیت‌پذیری. گزارش بانک جهانی ۱۹۸۹.

معین خزائلی :

شهروندان دارای معلولیت قربانی «بی توجهی محض» جمهوری اسلامی شده‌اند



جواد عباسی توللی

معلولیت به معنی ناتوانی نیست بلکه طبق شواهد موجود، بسیاری از شهروندان دارای معلولیت در صورت برخورداری از حمایت‌های لازم، چه بسا نسبت به سایر افراد جامعه عملکرد و نقش‌آفرینی بهتری داشته‌اند.

محرومیت شهروندان دارای معلولیت در ایران از حمایت‌های دولتی، در حالی است که بودجه «قانون حمایت از حقوق معلولان» در قانون بودجه سال ۱۴۰۲ حذف شده و صرفاً مبلغی نامشخص به بودجه سازمان بهزیستی اضافه شده است.

کاهش بودجه و عدم حمایت کافی دولت از شهروندان دارای معلولیت، بسیاری از مشکلات بهداشتی، درمانی و توانبخشی، مناسب‌سازی، دسترس‌پذیری و تردد و تحرک، کارآفرینی و اشتغال، مسکن، فرهنگ‌سازی و ارتقای آگاهی‌های عمومی، حمایت‌های قضایی و تسهیلات مالیاتی، و برنامه‌ریزی برای شهروندان دارای معلولیت را بیش از پیش تشدید کرده است.

همچنین، در بند «ب» از تبصره ۱۲ قانون بودجه ۱۴۰۲ دولت مکلف شده تا در کنار مجروحان جنگی (جانبازان) برای شهروندان دارای معلولیت شدید و فاقد درآمد و شغل هم

کمک معیشت ماهانه پرداخت کند. بر اساس خبرهای منتشر شده، با وجود گذشت حدود ۱۰ ماه از سال جاری و علی‌رغم اعتراضات شهروندان دارای معلولیت در ماه‌های گذشته در سراسر کشور، هیئت وزیران همچنان آئین‌نامه اجرایی بند «ب» تبصره ۱۲ قانون بودجه ۱۴۰۲ را تدوین نکرده است. این در حالی است که آئین‌نامه اجرایی همین مصوبه که در خصوص جانبازان، ایثارگران و رزمندگان است را خردادماه برای اجرا ابلاغ کرده است و این بند از قانون یاد شده، در سال ۱۴۰۲ فقط برای جانبازان اجرا شده است.

«دلایل اعمال این تبعیض سیستماتیک بر شهروندان دارای معلولیت از سوی دولت چیست؟ چرا دولت، حقوق این شهروندان را نادیده می‌گیرد؟ یک شهروند دارای معلولیت چه حقوقی دارد و حکومت ایران تا چه میزان در تحقق آنها موفق بوده است؟»

مجله حقوق ما، با طرح پرسش‌هایی از این دست، با معین خزائلی، وکیل دادگستری و مدافع حقوق بشر گفت‌وگو کرده است.

یک شهروند دارای معلولیت چه حقوقی دارد و حکومت ایران تا چه میزان در تحقق آنها موفق بوده است؟

در این زمینه یک کنوانسیون جهانی به نام کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت مصوب سال ۲۰۰۷ میلادی وجود دارد و دولت ایران هم به این کنوانسیون پیوسته است. در این کنوانسیون حقوقی که مشخصاً و به‌طور

مضاعف افراد دارای معلولیت باید از آن بهره مند شوند، به رسمیت شناخته شده است. از جمله حقوقی که در این کنوانسیون بر آن تاکید شده، این است که نباید این افراد نسبت به سایر افراد جامعه، به دلیل شرایطی که دارند، از فرصت‌های برابر محروم شوند و این وظیفه حکومت‌هاست تا شرایط و فرصت برابر را برای دسترسی به همه منابع و همه حقوق اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی برای شهروندان دارای معلولیت فراهم کنند.

در ایران دو قانون حمایت از حقوق معلولان وجود دارد. یکی قانون ۱۶ ماده‌ای تحت عنوان «قانون جامع حمایت از حقوق معلولان» بود که سال ۱۳۸۳ تصویب شد. مفاد مندرج در این قانون اما بسیار ابتدایی و ضعیف بود. کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت در فروردین ۱۳۹۶ با انتشار جزوه‌ای درباره ملاحظات نهایی در زمینه عملکرد دولت ایران از تلاش برای احقاق حقوق افراد دارای معلولیت، صراحتاً اعلام کرده بود که قانون سال ۱۳۸۳ اساساً قانون بسیار بدی است و در آن هیچ‌یک از موارد مهم و تعهدات و اصول کلی در مورد حقوق شهروندان دارای معلولیت رعایت نشده است. برای نمونه در این جزوه تأکید شده بود که در قانون یاد شده، برابری و عدم تبعیض رعایت نشده و این موارد را تضمین و تأمین نکرده است. همچنین، کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت، درباره دسترسی افراد دارای معلولیت به مراجع قضائی، حق حیات، آزادی و امنیت فردی و مواردی ازین دست به شدت ایراد وارد کرده بود.

به‌همین دلیل، در فروردین همان سال ۱۳۹۶ قانون جدیدی در ایران تصویب شد که «قانون افراد دارای معلولیت» نام گرفت.

البته این قانون هم ایرادات و مشکلاتی دارد و متخصصان این حوزه معتقدند که این قانون هم نتوانسته آنچه در کنوانسیون به آن اشاره شده را برای افراد دارای معلولیت تأمین و تضمین کند.

برای نمونه، یکی از ایرادات قانون مصوب سال ۱۳۹۶ این است که در آن اساساً اشاره زیادی به حقوق اساسی افراد دارای معلولیت نشده و به‌طور مشخص، برخی از تعاریف مندرج در آن درباره مفهوم معلولیت، اشتباه است و برخلاف تعاریف بین‌المللی و به ویژه برخلاف تعریفی است که در کنوانسیون ارائه شده است.

از دیدگاه من، مشکلات قانونی و ضعف قانون، خلاءهای قانونی و عدم وجود میل و اراده سیاسی در کنار این موضوع که شهروندان دارای معلولیت واقعاً صدای بلندی ندارند و مطالبه‌گری آنها نسبت به سایر گروه‌های اجتماعی در ایران شاید با حمایت‌های کمتری همراه باشد، در نتیجه، آن‌طور که باید و شاید، تأمین حقوق افراد دارای معلولیت در ایران با موفقیت همراه نبوده است.

از طرف دیگر، اگر بخواهیم قوانین فعلی در ایران را نه تنها با کشورهای پیشرفته بلکه با مفاد مندرج در کنوانسیون جهانی حقوق افراد دارای معلولیت هم مقایسه کنیم، باید گفت، حکومت ایران حتی در قانون و تئوری و دست‌کم بر روی کاغذ هم نتوانسته است

حقوق این شهروندان را تأمین کند.

در بند ب از تبصره ۱۲ قانون بودجه ۱۴۰۲ دولت مکلف شده تا در کنار مجروحان جنگی (جانبازان) برای شهروندان دارای معلولیت شدید و فاقد درآمد و شغل هم کمک معیشت ماهانه پرداخت کند. بر اساس خبرهای منتشر شده، این بند امسال فقط برای جانبازان اجرا شده است. به نظر شما دلایل اعمال این تبعیض سیستماتیک بر شهروندان دارای معلولیت از سوی دولت چیست؟ چرا دولت، حقوق این شهروندان را نادیده می‌گیرد؟

ماده ۲۷ قانون حمایت از حقوق معلولان، مصوب اسفند ۹۶ دولت را مکلف کرده است تا کمک هزینه معیشت افراد با معلولیت بسیار شدید را که فاقد شغل و درآمد هستند پرداخت کند. در موارد محدود هم این کمک هزینه پرداخت شده است اما مساله اینجاست که به دو دلیل شمار افرادی که از این کمک هزینه معیشت در جامعه شهروندان دارای معلولیت بهره‌مند می‌شوند، کم است. یک دلیل این است که بر اساس شرطی که در ماده قانونی یاد شده، آمده، باید افراد دارای معلولیت بسیار شدید و شدید باشند. بدین معنی که این افراد باید در کمیسیون پزشکی سازمان بهزیستی که براساس همین قانون حمایت از معلولان تشکیل شده است، به‌عنوان معلول شدید یا بسیار شدید مورد شناسایی قرار گرفته باشند. چنین رویکردی، خود مساله‌ساز است. برای

نمونه، کمیسیون پزشکی در برخی از موارد، معلولیت بسیار شدید بعضی از این شهروندان را تأیید کرده بود اما یک‌باره اعضای کمیسیون نظر خود را درباره این افراد تغییر داده و اعلام کرده‌اند از این به بعد، برخی از شهروندان یاد شده، دارای معلولیت بسیار شدید یا شدید نیستند. اینکه از نظر پزشکی واقعاً چطور امکانپذیر است که یک‌دفعه میزان معلولیت افراد تغییر کند یا را می‌توان از کارشناسان پزشکی و متخصصان این حوزه پرسید.

مساله دیگر این است که سازمان بهزیستی در سال‌های اخیر به‌سادگی اعلام می‌کند که بودجه ندارد. به بیان دیگر، برخی از افرادی هم که با وجود اینکه به عنوان معلولیت بسیار شدید شناسایی شده‌اند و فاقد شغل و درآمد هم هستند اما در حال حاضر به دلیل عدم تأمین بودجه از سوی دولت، از این کمک هزینه معیشتی بهره‌مند نشده‌اند. یکی از دلایل عدم تخصیص بودجه برای حمایت از شهروندان دارای معلولیت این است که صدای جامعه شهروندان دارای معلولیت در ایران صدای بلندی نیست و به‌همین دلیل، مشکلات این شهروندان از سوی نهادها و سازمان‌های مسئول، نادیده گرفته می‌شود. از سوی دیگر اما از آنجائی‌که صدای مجروحان جنگی (جانبازان) به دلیل نوع نگاهی که حکومت به آنها دارد، صدای رستاری است و مطالبه‌گری آنها هم قدرتمندتر صورت می‌گیرد، مسئولان دولتی توجه بیشتری به مشکلات این افراد دارند. ضمن اینکه سازمان بهزیستی در ماده ۲۷ یک سری شروط نانوشته دیگری هم



اعمال کرده است. برای مثال، اینکه فرد حتما باید در بستر باشد یا اینکه آن افراد هیچ درآمد دیگری نداشته باشند. همه موارد بالا سبب شده تا افراد دارای معلولیتی که قانونا باید از این کمک هزینه بهره مند شوند از چنین حمایتی محروم بمانند.

حکومت ایران، همواره سعی کرده تا از فعالیت انجمن‌ها و سازمان‌های مردم‌نهادی که مدافع حقوق شهروندان دارای معلولیت هستند، جلوگیری کند. به نظر شما دلایل این نگاه خصمانه حکومت ایران نسبت به این شهروندان از کجا ناشی می‌شود؟

من فکر می‌کنم نخست باید میان نگاهی که حکومت جمهوری اسلامی به انجمن‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد دارد و نگاهی که به شهروندان دارای معلولیت دارد؛ تفاوت قائل شد. مشخصا نگاهی که در ایران به‌ویژه از طرف نهادهای اطلاعاتی و امنیتی و دستگاه قضائی نسبت به انجمن‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد وجود دارد، نگاه مثبتی نیست و در برخی از موارد بسیار هم منفی و همراه با خشم و غضب است.

به نظر من، دلایل مختلفی را می‌توان چنین رویکردی برشمرد. یکی از این دلایل این است که سازمان مردم‌نهاد در حقیقت سازمانی است که مطالبه‌گر است و افراد مطالبه‌گر را هم در حول خود جمع می‌کند. اساسا مطالبه‌گری در تضاد با دیدگاهی است که بر نهادهای

اطلاعاتی و امنیتی و قوه قضائیه ایران حاکم است. حتی در برخی از موارد با سازمان‌های مردم‌نهادی که مخالفت زیادی با اصل نظام جمهوری اسلامی و روایت‌های تحمیلی آن ندارند برخورد می‌شود. برای نمونه، با گروه‌هایی که در ایران با عنوان گروه‌های عدالت طلب و نظایر آن شناخته می‌شوند و در سال‌های اخیر تلاش کرده‌اند در پاره‌ای از موارد فساد دستگاه‌های دولتی در کشور را افشا کنند هم برخورد شده است. دلیل اصلی اتخاذ چنین رویکردی از سوی حکومت جمهوری اسلامی این است که سازمان‌های مردم‌نهاد، مطالبه‌گری را ترویج و تشویق می‌کنند و شرایط را برای مطالبه‌گری مهیا می‌کنند

و این موضوعی است که مشخصا نهادهای امنیتی و به‌طور کلی، نظام جمهوری اسلامی با آن مخالف است. برگرفته از قوانین یا برگرفته از عدم توجه به موضوع شهروندان دارای معلولیت یا به‌علت عدم تخصیص بودجه و فقدان اراده و میل سیاسی برای حل مشکلات است. با این وجود اما نهادهای اطلاعاتی و امنیتی در ایران به‌هیچ وجه مطالبه‌گری را تحمل نمی‌کنند.

یک دلیل دیگر این است که اساسا نهادهای امنیتی بر این باورند که هر جا عده‌ای ولو برای یک کار خیریه و برای کمک به شهروندان یا مطالبه یک مسأله‌ای دورهم جمع شوند، قطعاً در آنجا فعالیتی برخلاف سیاست‌های حکومت جمهوری اسلامی انجام خواهد شد.

دلیل این نگاه هم این است که خود این نهادهای اطلاعاتی و امنیتی می‌دانند که مشکلات عمده‌ای که در این زمینه وجود دارد، به‌ویژه در زمینه شهروندان دارای معلولیت، در جامعه وجود ندارد.

حسن نایب هاشم:

جمهوری اسلامی، شهروندان دارای معلولیت را «غیر خودی» می‌داند



جواد عباسی توللی

مشکلات شهروندان دارای معلولیت در ایران گسترده است؛ از نبودن بودجه‌های حمایتی گرفته تا نامناسب بودن فضای شهری برای تردد آنها و حتی آزارهای فرهنگی، وضعیت این شهروندان را به جایی رسانده که بسیاری از آنها بالاچار خانه‌نشین شده‌اند و از فعالیت‌های اجتماعی محروم مانده‌اند.

دولت ایران نه تنها در زمینه‌هایی نظیر تأمین مسکن، ارائه بیمه درمانی مناسب، پرداخت کمک هزینه معیشتی یا ایجاد اشتغال برای شهروندان دارای معلولیت عمل کرد بسیار ناموفقی داشته بلکه مسئولانی که متولی تأمین حقوق این شهروندان هستند حتی در زمینه برخورد با شهروندان دارای معلولیت از آگاهی کافی برخوردار نیستند.

در یکی از آخرین اقدامات غیر اخلاقی مقامات دولتی در ایران، محمدعلی احمدی، فرماندار شهرستان اصفهان، اواخر آذر امسال، در مراسم تجلیل از افراد دارای معلولیت با اقدامی نمایشی روی صندلی چرخدار به میان حاضران آمد. این اقدام او واکنش‌های انتقادی فراوانی در میان شهروندان ایرانی به دنبال داشت.

از سوی دیگر، صولت مرتضوی، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی در دولت ابراهیم رئیسی، اواسط آذر ماه سال جاری، در سخنرانی خود در آیین گرامیداشت روز جهانی افراد دارای معلولیت که در «باغ موزه دفاع مقدس» برگزار شد، خطاب به حاضران گفته بود: «به امید ایران بدون معلول».

همچنین، برپایه اعلام حسین روستا، رئیس کانون ناشنوایان استان اصفهان و مشاور مدیرکل بهزیستی در امور ناشنوایان، شماری از معلم‌های مدرسه ناشنوایان حتی زبان اشاره (زبان مخصوص آموزش به شهروندان ناشنوا) را بلد نیستند و در سراسر کشور حتی یک مرکز عالی ناشنوایان برای آموزش این شهروندان و ترتیب معلمان وجود ندارد.

مجله حقوق ما، در گفت‌وگو با حسن نایب هاشم، پزشک و فعال حقوق بشر مقیم وین، دلایل عدم حمایت‌های حکومت ایران از شهروندان دارای معلولیت را بررسی کرده است.

در بند ب از تبصره ۱۲ قانون بودجه ۱۴۰۲ دولت مکلف شده تا در کنار مجروحان جنگی (جانبازان) برای شهروندان دارای معلولیت شدید و فاقد درآمد و شغل هم کمک معیشت ماهانه پرداخت کند. بر اساس خبرهای منتشر شده، این بند امسال فقط برای جانبازان اجرا شده است. به نظر شما دلایل اعمال این تبعیض سیستماتیک بر شهروندان دارای معلولیت از سوی دولت چیست؟ چرا دولت، حقوق این شهروندان را نادیده می‌گیرد؟

حکومت جمهوری اسلامی، قانون کنوانسیون افراد دارای معلولیت را تصویب کرده است. این قانون یکی از معدود قوانینی است که در ارتباط با کنوانسیون‌های جهانی به تصویب

رسیده است و بر اساس آن، دولت موظف است تا قانون‌های خود را بر مبنای کنوانسیون بین‌المللی حمایت از افراد دارای معلولیت تدوین کند. هرچند که دولت ایران همواره با تعلل و تأخیر این کار را کرده است.

این در حالی است که بسیاری از موارد، قانون برای جمهوری اسلامی از قانون اساسی گرفته تا برخی از قوانین دیگر، ویتروینی است تا در خارج از کشور نشان بدهد که قوانین نه چندان بد هم در این حکومت وجود دارد.

با این وجود اما حتی قوانینی که توسط این حکومت تصویب شده است هم در بسیاری از موارد اجرا نمی‌شود چراکه سران جمهوری اسلامی همواره مصلحت‌های خود را در نظر می‌گیرند. به عبارت دیگر، بسیاری از قوانین در ایران، صرفاً روی کاغذ وجود دارد و ابزاری است تا حکومت بتواند با توسل به آنها در خارج از کشور وضعیت غیرانسانساز حاکم بر کشور را سفیدنمایی کند.

از طرف دیگر، حکومت ایران به شدت ایدئولوژیک است، بنابراین با افرادی که جانباز تلقی می‌کند کاملاً متفاوت از شهروندان دارای معلولیت برخورد می‌کند. از این‌رو، دور از تصور نیست به‌ویژه در سال‌های اخیر که وضعیت مالی حکومت هم به‌هیچ‌وجه مناسب نیست و با بحران‌های عدیده‌ای هم مواجه شده است، سعی کند در جایی سرمایه‌گذاری کند که به ایدئولوژی حکومت نزدیک‌تر باشد. به بیان دیگر، حکومت جمهوری اسلامی همواره سعی کرده تا وابستگان و خودی‌ها را تقویت کند و مسلم است که جانبازان از نظر آنها خودی

تلقی می‌شوند و برای این حکومت، شهروندان دارای معلولیت غیرخودی هستند.

در عین حال، همان‌طور که می‌دانیم تنها بخشی از کسانی که از سوی حکومت ایران «جانباز یا آزاده» نامیده شده‌اند و به مقامات عالی دولتی رسیده‌اند یا به رانت‌های خاصی دست یافته‌اند، از موقعیت‌های ویژه برخوردارند و بخش قابل توجهی از این افراد نیز در بسیاری از مواقع از وضعیت خود شکایت دارند چرا که این افراد هم از حداقل‌هایی که برای ادامه زندگی لازم دارند، بهره‌مند نشده‌اند.

حکومت ایران سال‌های گذشته، همواره سعی کرده تا از فعالیت انجمن‌ها و سازمان‌های مردم‌نهادی که مدافع حقوق شهروندان دارای معلولیت هستند، جلوگیری کند. به نظر شما دلایل این نگاه خصمانه حکومت ایران نسبت به این شهروندان از کجا ناشی می‌شود؟

حکومت ایران نه تنها در رابطه با شهروندان دارای معلولیت بلکه با هر نوع فعالیت سازمان‌های غیر دولتی مخالفت می‌کند. در سال‌های گذشته نهادهای امنیتی و قوه قضائیه ایران با جلوگیری از فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد در حوزه‌هایی نظیر کودکان کار، زنان و اعتیاد گسترده در کشور، به‌زعم خود قصد داشتند صورت مساله را پاک کنند و آسیب‌های اجتماعی‌ای که در این زمینه‌ها وجود دارد را انکار کنند. به نظر من اما چنین برخوردی از

سوی حکومت با شهروندان دارای معلولیت، امکان‌پذیر نبوده و نیست.

متأسفانه بابت وضعیت حاکم بر کشور، دسترسی افراد دارای معلولیت به اجتماع کمتر است و بسیاری از آنها در محیط زندگی خود عملاً محصور هستند و امکانات شهری برای افرادی که به‌خصوص ناتوانی جسمی دارند این اجازه را نمی‌دهد تا بتوانند در حد لازم حرکت و تردد داشته باشند اما با این وجود، حکومت نمی‌تواند مشکلات آنها را نادیده بگیرد.

نکته دیگری که در فرای موارد یاد شده وجود دارد، این است که حکومت جمهوری اسلامی از شکل‌گیری یا فعالیت هر گونه تشکل غیردولتی هراسان است. برای نمونه، نهادهای امنیتی ایران، جمعیت امام علی که فقط فعالیت عام‌المنفعه داشت را نتوانستند تحمل کنند و مسئولان آن را تحت تعقیب قرار دادند و در صدد برآمدند تا کل آن تشکل را نابود کنند.

به بیان دیگر، حکومت ایران، به‌هیچ‌وجه وجود هیچ‌گونه تشکل مردم‌نهادی را نمی‌پذیرد چرا که می‌داند که هرچه جامعه مدنی توسط سازمان‌های مردم‌نهاد تقویت شود و این سازمان‌ها هرچه بیشتر در جامعه قدرت و اعتبار کسب کنند، خطر بزرگ‌تری برای این حکومت به حساب خواهند آمد.

حکومت ایران، هر موضوع اجتماعی از موی دختران گرفته تا نیایش اقلیت‌های مذهبی را تهدید و هشدار علیه خود می‌داند. از این‌رو هرچند افراد دارای معلولیت مشکلات عدیده‌ای دارند اما کار جمعی آنها به‌صورت

برپایی تجمعات اعتراضی می‌تواند برای حکومت، یک تهدید تلقی شود.

در یک دولت دموکراتیک و منطبق بر موازین حقوق بشر؛ حقوق شهروندان دارای معلولیت شهروندان چطور رعایت خواهد شد؟

زمانی که مبنای شکل‌گیری یک دولت این باشد که همه انسان‌ها را دارای حقوق برابر بدانند، طبعاً به مسائل مربوط به افرادی که دارای نیازهای ویژه هستند هم رسیدگی خواهد شد.

افراد دارای معلولیت، افراد دارای نیازهای ویژه محسوب می‌شوند و دولت‌ها باید به این نیازهای ویژه توجه کرده و حسب امکانات آن جامعه برای رفع آنها اقدام کنند. طبیعی است که هر جامعه‌ای توسعه‌یافته‌تر باشد و اختلاف طبقاتی در آن کمتر باشد، افراد دارای معلولیت هم می‌توانند از امکانات بیشتری برخوردار باشند.

حتی در جوامعی که به اندازه کافی توسعه‌یافته نیستند، اگر است نهادهای مدنی تقویت شده باشند، می‌توان امیدوار بود که دولت‌ها حداقلی از امکانات را برای شهروندان دارای معلولیت در نظر خواهند گرفت.

به عبارت دیگر، هرچه در یک جامعه اختلاف طبقاتی کمتر شود و از طرف دیگر سطح رفاه بالاتر رود، این شهروندان می‌توانند از زندگی راحت‌تری برخوردار باشند.

حقوق شهروندان دارای معلولیت؛ عدم پایبندی حکومت ایران به قوانین داخلی و معاهدات بین‌المللی



جواد عباسی توللی

برآورد کرد که در ایران با جمعیتی بالغ بر ۸۰ میلیون نفر، حدود ۱۲ میلیون شهروند دارای معلولیت زندگی می‌کنند.

جامعه معلولان ایران در سایه بی‌توجهی مسئولان و سیاست‌گذاران دولتی، از لحاظ دسترسی به فضاهای اجتماعی، امکانات آموزشی و تحصیلی، اشتغال، برابری فرصت‌ها و بسیاری موارد دیگر در رنج هستند.

این در حالی است که دولت ایران حتی به اجرای قوانین مصوب نظیر «قانون حمایت از معلولان» هم پایبند نیست و شهروندان دارای معلولیت را به‌حال خود رها کرده است.

از سوی دیگر، در سال‌ها و به‌ویژه در ماه‌های اخیر، فعالان مدنی‌ای که با برپایی تجمعات مسالمت‌آمیز قصد داشتند حقوق شهروندان دارای معلولیت را از نهادهای دولتی در ایران مطالبه کنند، با برخوردهای خشونت‌آمیز از سوی نهادهای امنیتی مواجه شده‌اند.

مجله حقوق ما برای بررسی حقوق شهروندان دارای معلولیت و دلایل عدم رسیدگی دولت به این شهروندان با مرضیه محبی، وکیل دادگستری و حقوق‌دان گفت‌وگو کرده است.

یک شهروند دارای معلولیت چه حقوقی دارد و حکومت ایران تا چه میزان در تحقق آنها موفق بوده است؟

حقوق شهروندان دارای معلولیت در قانون حمایت از حقوق معلولان، قانون بازنشستگی پیش از موعد آنها در ایران به رسمیت شناخته شده است. همچنین حکومت ایران

نهادهای دولتی ایران هیچ‌گاه آمار دقیقی از شهروندان دارای معلولیت در کشور منتشر نکرده‌اند. دولت ایران حتی در سرشماری عمومی نفوس و مسکن که آخرین بار در سال ۱۳۹۵ در ایران انجام شده، آمار جداگانه‌ای در مورد تعداد افراد دارای معلولیت منتشر نکرده است.

آخرین آماري که از سوی مقامات حکومتی و بدون ارائه اسناد، در سخنرانی‌ها اعلام شده، تعداد دست‌کم یک میلیون و ۶۰۰ هزار شهروند دارای معلولیت را در سراسر ایران نشان می‌دهد. شبنم جهان‌شاد، معاون دفتر پیشگیری از معلولیت‌های سازمان بهزیستی کشور، اواسط دی‌ماه ۱۴۰۱ در حاشیه برگزاری نشست طرح «بررسی شیوع و علل آسیب‌ها و اختلالات دائمی منجر به کم‌توانی» در کرمانشاه، ضمن اعلام اینکه آمار دقیقی از شمار این شهروندان در کشور وجود ندارد و با اشاره به ثبت یک میلیون و ۶۰۰ هزار فرد دارای معلولیت در بانک اطلاعاتی سازمان بهزیستی سطح کشور، گفته بود:

«این تعداد آمار معلولانی است که به سازمان بهزیستی مراجعه داشته‌اند و آمار دقیقی از سایر افراد معلول در کشور نداریم».

اعلام این آمار از سوی این مقام دولتی در حالی است که براساس تخمین سازمان جهانی بهداشت و بانک جهانی در سال ۲۰۱۸ میلادی، ۱۵ درصد جمعیت جهان دارای نوعی از معلولیت هستند. بدین اعتبار، می‌توان چنین

گفت تمامی سازمان‌های مردم نهاد در ایران، در حال حاضر بدل به موسسات ایدئولوژیک و امنیتی خیریه شده‌اند تا همه قوای محرومان برای اعتراض و کنش‌گری اجتماعی را نابود کنند.

به نظر شما چرا با وجود وعده‌ها، دولت مفاد مندرج در قانون حمایت از معلولان را اجرا نمی‌کند؟

دولت بودجه کافی ندارد و آنچه موجود است به مصرف سرکوب مردم در داخل و برهم‌زدن نظم منطقه میرسد. مملکت عملاً به‌حال خود رها شده و شهروندان دارای معلولیت از جمله بی‌صداترین و خاموش‌ترین شهروندانی هستند که تحت ستم و محرومیت چنین حکومتی قرار دارند.

بر اساس ماده ۲۷ قانون حمایت از معلولان، دولت مکلف شده است تا کمک هزینه معیشت افراد دارای معلولیت بسیار شدید یا شدید فاقد شغل و درآمد را به میزان حداقل دستمزد سالانه تعیین و اعتبارات لازم را در قوانین بودجه سنواتی کشور لحاظ کند. حرکت‌های اعتراضی شهروندان دارای معلولیت و پاسخ‌های مسئولان دولتی اما حکایت از عدم اجرای این ماده قانونی دارد.

ظاهراً بودجه‌ای هم که پرداخت می‌شود، هیچ تناسبی با قانون یاد شده ندارد و علاوه بر آن رواج فساد در همه تاروپود دستگاه‌های اداری و دولتی ایران باعث شده تا اگر بودجه‌ای هم پرداخت بشود، به دست صاحبان آن نرسد.



امنیتی است.

اساس کار حکومت جمهوری اسلامی بر منع مشارکت واقعی مردم، سرکوب، تعطیلی و ازمیان برداشتن همه سازمان‌های جامعه مدنی و خیریه‌ای کردن امور فرودستان است. بدینسان این حکومت، توفیق یافته که شهروندان دارای معلولیت را مانند سایر اقشار جامعه ایران از کسب قدرت برای اداره امور خود و مشارکت واقعی اجتماعی و اقتصادی بازدارد و با تهاجم به کرامت انسانی‌شان، آنها را به مستمندانی بدل کند که چشم براه بنشینند تا ثروتمندان مومن در معامله با خدایشان اندکی از دارایی خود را از باب صدقه به آنها بدهند. به جرات می‌توان

وکار موسساتی قرارداد داده که به‌جای تخصص متناسب با شهروندان دارای معلولیت، امنیتی هستند تا بدینسان هم کنترل حکومت بر جامعه تامین شود هم حقوق این شهروندان را به‌دست خودی‌ها [ی نظام] بسپارد. نتیجه چنین رویکردی، مواردی است که در موسسه مهرماندگار و بسیاری موسسات ویژه نگهداری از شهروندان دارای معلولیت شاهد بوده‌ایم. شهروندان دارای معلولیت در چنین موسساتی، در معرض آزارهای جسمی، جنسی و روانی شدید قرار دارند و فریادرسی هم ندارند چرا که ملاک اصلی گزینش مراکز خصوصی به‌عنوان متولی این موضوع، وابستگی آنها به نهادهای

به کنوانسیون جهانی حمایت از حقوق افراد دارای معلولیت پیوسته است. هرچند در قانون حمایت از حقوق معلولان، به ضرورت مناسب سازی معابر و گذرگاه‌ها، تأمین فضاهای ورزشی و فرهنگی و هنری، پرداخت حق پرستاری، پرداخت شهریه و ایجاد صندوق‌های حمایت شغلی و مواردی از این دست اشاره شده اما جز پرداخت مبلغ اندکی بابت شهریه و حق پرستاری (که هیچ تناسبی با تورم و قیمت‌های کالاها ندارد و کفاف یک سرپناه خیلی ارزان راهم‌نمیدهد چه برسد تامین هزینه‌های زندگی) هیچ اقدام موثر دیگری برای حمایت از این شهروندان انجام نشده است. به عبارت دیگر، می‌توان گفت قوانین در این زمینه خاموش و بلا اثرند.

حکومت ایران، همواره سعی کرده تا از فعالیت انجمن‌ها و سازمان‌های مردم نهادی که مدافع حقوق شهروندان دارای معلولیت هستند، جلوگیری کند. به نظر شما دلایل این نگاه خصمانه حکومت ایران نسبت به این شهروندان از کجا ناشی می‌شود؟

در جمهوری اسلامی، دولت برای فرار از مسئولیتهای خود در قبال شهروندان دارای معلولیت و سایر مددجویان بهزیستی و اعمال حاکمیت برای تامین حقوق شهروندی آنها، خدمات اجتماعی در بهزیستی را به بخش خصوصی سپرده است. به بیان دیگر، مانند سایر قسمت‌های جامعه، دولت این مقوله را هم کالایی کرده و آن را وسیله کسب

افراد دارای معلولیت؛ بدون حمایت دولت و خانه نشین

در گفت و گو با یک شهروند دارای معلولیت در ایران



جواد عباسی توللی

و همچنین در اعلامیه جهانی حقوق کودک ۲۰ نوامبر ۱۹۸۹ به طور مشخص و صریح به لزوم پایبندی دولت‌ها بر رفع تبعیض علیه افراد دارای معلولیت تأکید شده است.

مجلس ایران در ۲۰ اسفند ۱۳۹۶ «قانون حمایت از حقوق معلولان» را به تصویب رساند و این قانون در اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۷ از سوی حسن روحانی، رئیس جمهوری سابق ایران به نهادهای متولی امور افراد دارای معلولیت ابلاغ شد. با وجود گذشت بیش از شش سال از تصویب و ابلاغ این قانون اما هنوز خبری از اجرای کامل آن توسط این نهادها نیست.

طبق مفاد مندرج در قانون حمایت از حقوق معلولان، شهروندان دارای معلولیت باید از حمایت‌هایی نظیر خدمات درمانی و توانبخشی، مسکن، اشتغال، دسترس پذیری تردد و تحرک و حمایت‌های اداری و استخدامی برخوردار شوند.

برای نمونه، در ماده ۲۷ «قانون حمایت از حقوق معلولان دولت مکلف شده است تا کمک هزینه معیشت افراد دارای معلولیت بسیار شدید و یا شدید فاقد شغل و درآمد را به میزان حداقل دستمزد سالانه تعیین و اعتبارات لازم را در قوانین بودجه سنواتی کشور منظور کند.

یک شهروند دارای معلولیت در پاسخ به این پرسش که پس از تصویب قانون یاد شده تا چه میزان این ماده قانونی در حمایت از شهروندان دارای معلولیت اجرا شده است، می‌گوید:

با وجود اینکه حکومت ایران به برخی از این معاهدات بین المللی نظیر «کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت» ملحق شده است اما همچنان شهروندان دارای معلولیت در ایران در معرض محرومیت از حمایت‌های دولتی و نقض حقوق خود قرار دارند. یک شهروند دارای معلولیت که در گفت و گو با «مجله حقوق ما» خواست نامش محفوظ بماند، بر این باور است که از آنجائی که حمایت از شهروندان دارای معلولیت «هیچ گونه منفعت سیاسی برای حکومت جمهوری اسلامی ندارد» از این رو دولت‌های مختلف در طول سال‌های گذشته حتی قوانین مصوب داخلی را نیز برای حمایت از این شهروندان به طور کامل اجرا نکرده‌اند.

شهروندان دارای معلولیت به عنوان یکی از گروه‌های بزرگ اجتماعی در ایران که میلیون‌ها نفر از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند، سال‌هاست در معرض اشکال مختلف تبعیض و محرومیت‌های اجتماعی قرار دارند. این در حالی است که به غیر از اسناد بین المللی نظیر منشور ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق جهانی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که تمام حقوق و آزادی‌های اساسی بشر را بدون هیچ گونه تبعیضی به رسمیت شناخته‌اند، در «کنوانسیون جهانی حقوق افراد دارای معلولیت» مصوب دسامبر ۱۹۷۵



«در سال ۱۴۰۱ هر سه ماه یکبار مبلغ ۸۱۸ هزار تومان به حدود ۲۰۰ شهروند دارای معلولیت با شرایطی که در همین ماده قانونی اعلام شده است، پرداخت شد».

به گفته او، سازمان بهزیستی در سال جاری وعده داده است که این مبلغ را به میزان هشت برابر افزایش دهد اما هنوز این افزایش کمک هزینه معیشت صورت نگرفته است.

همچنین، در بند ب از تبصره ۱۲ قانون بودجه ۱۴۰۲ دولت مکلف شده تا در کنار مجروحان جنگی (جانبازان) برای شهروندان دارای معلولیت شدید و فاقد درآمد و شغل هم کمک معیشت ماهانه پرداخت کند. بر اساس خبرهای منتشر شده، این بند امسال فقط برای جانبازان اجرا شده است.

شهروند دارای معلولیت بر این باور است که از آنجائی که حمایت از شهروندان دارای معلولیت «هیچ گونه منفعت سیاسی برای حکومت جمهوری اسلامی ندارد» از این رو دولت های مختلف در طول سال های گذشته نه تنها حتی قوانین مصوب داخلی را نیز برای حمایت از این شهروندان به طور کامل اجرا نکرده اند بلکه مسئولان دولتی نیز هیچ گونه اراده ای برای حمایت از این شهروندان ندارند.

به گفته او، ابراهیم رئیسی، رئیس جمهوری ایران وعده داده بود که در آذرماه امسال در مراسم روز جهانی افراد دارای معلولیت شرکت خواهد کرد اما با این وجود او در این مراسم حاضر نشده است.

بی توجهی به وضعیت شهروندان دارای معلولیت از سوی ابراهیم رئیسی در حالی است که حتی مسئولان دیگری که بالاچار در مناسبت های مرتبط با این شهروندان حضور می یابند، برخورد محترمانه ای با شهروندان دارای معلولیت ندارند.

در یکی از آخرین اقدامات غیر اخلاقی مقامات دولتی در ایران، محمدعلی احمدی، فرماندار شهرستان اصفهان، اواخر آذر امسال، در مراسم تجلیل از افراد دارای معلولیت با اقدامی نمایشی، با صندلی چرخدار به میان حاضران آمد. این اقدام او واکنش های انتقادی فراوانی در میان شهروندان ایرانی به دنبال داشت.

از سوی دیگر، صولت مرتضوی، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی در دولت ابراهیم رئیسی،

اواسط آذر ماه سال جاری، در سخنرانی خود برای تردد و حرکت در شهر می گوید:

در آیین گرامیداشت روز جهانی افراد دارای معلولیت که در «باغ موزه دفاع مقدس» برگزار شد، خطاب به حاضران گفته بود: «به امید ایران بدون معلول».

اتخاذ چنین موضعی از سوی وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، یادآور مواضع آدولف هیتلر، رهبر حزب نازی درباره شهروندان دارای معلولیت است. استاندار و دارای شیب تند است».

بی توجهی مسئولان دولتی به مناسب سازی فضاهای شهری برای دسترس پذیری و تردد شهروندان دارای معلولیت، یکی دیگر از مشکلات عدیده این شهروندان است.

شهروندی که در این زمینه با مجله حقوق ما گفت و گو کرده درباره میزان رضایت خود از مناسب سازی معابر شهری و دسترس پذیری

مناسب سازی معابر شهری و دسترس پذیری



ما از عدالت سهمی داریم
دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر
صاحب امتیاز و مدیر مسئول:
سازمان حقوق بشر ایران / محمود امیری مقدم
سر دبیر این شماره: مریم غفوری
تماس با مجله: mail@iranhr.net